

بحran هویت و راهکارهای مقابله با آن

چکیده

موضوع مقاله پیش رو بحران هویت جوانان و راهکارهای مقابله با آن می باشد. هویت گاه در ادوار مختلف زندگی دستخوش چالش و بحران می شود که از آن به بحران هویت یاد شده است. و نظر به این که نیروی محرکه دیر پای هر جامعه را قشر جوان تشکیل می دهد، لذا پژوهش پیش رو به نقش دین در حل بحران هویت جوانان پرداخته است، تا بتواند جوانان و متولیان امر را در شناخت و رفع این پدیده یاری نماید.

این پژوهش سعی در تبیین مبانی نظری این بحران از طریق بازشناسی هویت و ابعاد آن و بررسی فرآیند شکل گیری بحران هویت دارد. و نیز پیامدهای ناشی از فقدان هویت در جوانان را از طریق ارائه راهکارهای عمومی دین مانند دعوت جوانان به عبودیت، و معنا بخشیدن به زندگی و راهکارهای اختصاصی نظیر تشویق جوانان به تحصیل دانش، پر کردن اوقات فراغت و... مرتفع می نماید.

نتیجه به دست آمده بیان گر آن است که آگاهی و دست یابی نسل جوان به هویت حقیقی در پرتوی آموزه های دینی است که نهایتاً سبب می شود تا ایشان از یک شاکله هویتی مستقل و ارزشمندی برخوردار شوند و در چالش های مهم زندگی دچار بن بست نشوند و راه برون رفت از آن را باز شناسند.

واژگان کلیدی: جوان، هویت، بحران، پیامد، بلوغ

* دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

* کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه فردوسی مشهد

طرح بحث

یکی از مسائل عمدۀ ای که در سال های پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به ویژه در سال های اخیر توسط مسئولان و سیاست گذاران فرهنگی مطرح بوده، مسئله بحران هویت می باشد. این بحران، چالش ها و آسیب های جدی را در شکل گیری هویت اصیل اسلامی و ایرانی جوانان به وجود آورده است.

تقابل زندگی مدرن با سنت ها، آن چنان روند شتاب آلودی به خود گرفته است که فرصت جایگزینی فرهنگی و شکل گرفتن ساختارها و نهادهای منطبق بر مقتضیات زمانی و فرهنگ بومی را سلب کرده است. به گونه ای که افراد جامعه و به خصوص نوجوانان و جوانان، شرایط دشواری را از لحاظ اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری تحمل می نمایند، و با نوعی نابهنجاری و یا حتی بی هنجاری دست به گریبان هستند که نتیجه آن بروز بحران هویت است.

تضاد بین نسل ها، منفعل بودن، کم توجهی و کم علاقگی به مسائل دینی، از خود بیگانگی نسبت به اجتماع و موارد بسیاری دیگر، از مظاهر وجود بحران هویت در بین جوانان است. تمام این مسائل، مصدقی از بحران هویت در میان افراد جامعه و به ویژه جوانان می باشد.

با پیدایش آثار صنعتی شدن و نیز پیشرفت در عرصه ارتباطات، نیازها و انتظارات جدیدی شکل گرفت که فرآیند شکل گیری هویت در جوانان را دگرگون ساخت. و متاسفانه عده کثیری از جوانان، بدون توجه به ارزش های دینی و فرهنگی، دچار سردرگمی شده، خود و هویت اصیل خود را فراموش کرده اند.

این پژوهش بر آن است تا به بازشناسی بحران هویت و ابعاد آن از دیدگاه روانشناسی و نیز از منظر دین با تکیه بر آیات و روایات پردازد تا جوانان هویت خود را با علم روز که هم راستا با فرهنگ دینی شان است سمت و سو داده، و با تکیه بر این آموزه ها راه برون رفت از این چالش



ها و بحران‌ها در یابد.

بازشناسی هویت و ابعاد آن

توجه به این واقعیت که بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود، ما را بر آن می‌دارد که ابتدا مروری هرچند کوتاه بر شاخصه‌های اساسی این دوره داشته باشیم و پس از آن رابطه آن‌ها را با مساله بحران هویت ملاحظه کنیم.

به عنوان یک واقعیت، دوره‌ی نوجوانی را باید یکی از مهم‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین مراحل زندگی تلقی کرد، زیرا هم زمان با شکل گیری شخصیت، بررسی و ارزیابی مجددی از ارزش‌ها، باورها و آموخته‌های قبلی فرد از طریق والدین و محیط پیرامون توسط نوجوان انجام می‌گیرد.(غایی، بحران هویت و راهکارهای مقابله‌ای، ص ۲۱) از این رو دوره نوجوانی را می‌توان بر اساس ویژگی‌هاییش از سایر دوران زندگی متمایز دانست.

فرایند بلوغ و مسائل ناشی از آن

فرایند بلوغ یکی از بحرانی‌ترین مراحل در زندگی هر فرد است. استانلی هان که به پدر روانشناسی بلوغ معروف است، این مرحله را دوران طوفان و فشار می‌نامید.(مورس، نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی، ص ۱۴)

با آغاز بلوغ تفاوت‌های اساسی بیولوژیکی در هر دو جنس ظاهر می‌شود، این تغییرات در دختران در سنین ۶ تا ۱۲ سالگی و در پسران ۱۱ تا ۱۳ سالگی بروز می‌کند. تغییرات بیولوژیکی با افزایش وزن و طول ناگهانی قامت همراه است. همزمان با بروز تغییرات فیزیکی، تغییر علائق و عقاید و میل به بحث در نوجوان زیاد می‌شود؛ مخالفت با والدین، نشانه‌ای از میل به تشخّص طلبی است و نوجوان بدین وسیله می‌خواهد خود را نشان دهد و از دیگران جدا سازد.(احمدی، روانشناسی نوجوانان و جوانان، ص ۳۲) که این امر مقدمه‌ای برای پختگی عقلی و شکل گیری هویت می‌باشد.

عوامل مؤثر در هویت بخشی جوانان

در امر هویت بخشی به جوانان عوامل متعددی تأثیر گذار هستند که در این پژوهش به تعدادی از این عوامل می پردازیم که عبارتند از:

۱. خانواده

خانواده بیشترین تأثیر را در هویت بخشی به جوانان دارد، کسانی که از نعمت والدین و خانواده های مناسبی برخوردارند، ضمن تعادل روحی و روانی، زمینه رشد و تفکر و بیانش آنان هماهنگ با سایر استعدادها می گردد. چنین افرادی به آسانی می توانند دوران پر مخاطره جوانی را پشت سر بگذارند و به تمام پرسش های مربوط به کسب هویت مستقل پاسخی درست دهند و در نتیجه از تحییر و سردرگمی در پیش آمدهای زندگی در امان باشند. اگر این مسئولیت به هر دلیل در محیط خانواده مغفول واقع شود، روشی است که جوان نخواهد توانست در فرآیند هویت یابی به موفقیت دست یابد. (حق پناه، کانون های بحران هویت در ایران، ص ۸-۹)

۲. نهاد آموزشی

پس از خانواده موثرترین عامل در تکوین هویت اشخاص، نهاد آموزشی است. اگر نهاد آموزشی؛ نهاد مدرسه و آموزش و پرورش و به عبارت دیگر مجموعه نهادهای فرهنگی جامعه بتواند الگوهای مناسبی به نوجوانان و جوانان ارائه کنند، با آنان رابطه عاطفی برقرار نمایند و از برخوردهای خشک و مستبدانه و یا بی تفاوت پیرهیزد، خواهند توانست آنان را به فرهنگ خودی جذب کنند و زمینه ای مناسب برای هویت بخشی و هویت یابی را در آنان فراهم سازند.

۳. رسانه های گروهی

پس از دو عامل یاد شده، رسانه های گروهی و وسائل ارتباط جمعی - اعم از رادیو، روزنامه، مجله، کتاب، اینترنت و... نقشی مهم در هویت بخشی دارند. می توان ادعا کرد که امروزه رسانه به یک



جبهه فرهنگی گسترده‌ای تبدیل شده و بیشترین فعالیتش در تربیت جوانان و هویت بخشی به آنان است.

۴. گروه همسالان

از جمله عوامل مؤثر در هویت بخشی جوانان گروه همسالان – یعنی دوستان و معاشران هستند که از نظر سنی و عقلی به یکدیگر نزدیک اند و وحدتی ناگسستنی میان خود برقرار کرده اند. این گروه به عنوان یکی از گروه‌های مرجع، نقشی مهم در ایجاد الگوهای رفتاری افراد دارد؛ به گونه‌ای که فرهنگی خاص و هویتی ویژه برای آنان پدید می‌آورد که همگی از آن پیروی می‌کنند. (مهرجردی، وقتی جوان بر سر دو راهی بماند، ص ۹) از جمله خصوصیات این فرهنگ عبارت است از:

– به ارزش‌های سنتی چندان پایین نیستند؛

– رازداری در بین آن‌ها بسیار متداول است؛

– برای معاشرت زبان و خرد فرهنگ ویژه‌ای دارند؛

– از بزرگ‌ترها و طبقه اجتماعی خود تعیت نمی‌کنند.

توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در صورتی که نقش خانواده، نهادها و دیگر مراجع در هویت بخشی، ضعیف باشد، گروه همسالان قوی‌تر عمل خواهد کرد.

ابعاد هویت

هویت یابی در دوران نوجوانی و جوانی به موازات رشد فیزیکی، شناختی، عاطفی و اجتماعی اهمیت خاصی می‌یابد. این هویت یافتنگی در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، ملی، دینی و مانند آن بروز می‌کند. (شرفی، جوان و بهران هویت، ص ۲۹)

۱. هویت فردی

منظور از هویت فردی همان است که جوان در پاسخ کیستی خود به آن می‌رسد و پی‌می‌برد که

(من) یا (خویشن) کیست؟ هویت فردی وقتی محقق می شود که جوان حقیقت خویشن را بشناسد به توانایی ها، استعدادها و نقاط قوت و ضعف خویش واقف گردد.

در نهایت این خودشناسی راه را برای خودسازی جوان هموار می کند. الکیس کارل می گوید: فایده خودشناسی، احیاء و نوسازی خویشن است.(کارل، انسان موجود ناشناخته، ص ۱۵۳)

۲. هویت خانوادگی

ارائه تعریف دقیقی از هویت خانوادگی کاری نسبتاً دشوار است. ولی در یک عبارت می توان گفت که منظور از این نوع هویت، تعیین نسبت میان جوان و خانواده اوست و این که چه پیوندهایی میان آن ها موجود است؟ در بحث هویت، خانواده‌ی جوان از دو جنبه برای او اهمیت دارد. نخست از نظر مرجعیت؛ رفتار کلامی و عملی والدین، علی رغم سنین حساس جوانی، برای فرزند از نوعی اعتبار برخوردار است، و چنان‌چه در رفتار ظاهری چنین واقعیتی را بروز ندهد، در باطن به آن اذعان و باور دارد. از این رو هر نوع ارتباط والدین با فرزند جوان از اهمیت در خور توجه برخوردار است.(شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۶۳)

جنبه دوم فزونی و کثرت ارتباط‌های جوان و والدین در نهاد خانواده است که به نوبه خود می تواند هم آن‌ها را به یکدیگر نزدیک تر کند و هم در مواردی دور سازد. هویت خانوادگی جوان وقتی محقق می شود، که احساس کند نزد والدین مقبولیت دارد و پذیرفته شده است. هر قدر احساس کند که از طرق آن‌ها پذیرفته شده، به همان میزان احساس تعلق به خانواده می کند و بر هویت خانوادگی اش مهر تأیید نهاده می شود.

۳. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی عبارت است از: تعیین نسبت میان جوان و جامعه، یعنی بداند که چه پیوندهایی با جامعه دارد و چه نقش‌ها و وظایفی در اجتماع داشته و جامعه از او چه انتظاری دارد.

یکی از صاحب نظران شخصیت می نویسد: «عدم توانایی در انتخاب شغل و یا عدم ادامه تحصیل، غالباً نمودی از بهران هویت و یا گم گشتنی در نقش اجتماعی است، بر این اساس بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگارانه جوانان را از این دیدگاه می توان توجیه نمود.» (شاملو، مکاتب و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، ص ۶۷)

از این رو زمانی می توان گفت که هویت اجتماعی جوان شکل گرفته است که جوان از نظر اجتماعی به تربیتی جامع دست یابد، انگیزه هایش پرورش یابد و چون خویشتن را در برابر مردم و اجتماع مسئول می داند، وظایف اجتماعی اش را به خوبی انجام دهد و به قوانین عمومی و اجتماعی احترام بگذارد.

۴. هویت فرهنگی

در تعریف فرهنگ آمده است، مجموعه عادات، باورها، هنر، موسیقی و سایر دستاوردهای تفکر انسانی که به وسیله گروهی از مردم در زمانی خاص به وجود آمده است، فرهنگ نام دارد.

با بیان این توضیحات، هویت فرهنگی را می توان مجموعه یا نظامی از باورها، ارزش ها، رسوم و رفتاری دانست که اعضای جامعه به کار می بندند تا خود را با جهان و نیز با یکدیگر سازگار سازند. توضیح این نکته ضروری است که دین و اعتقادات مذهبی از عواملی است که می تواند در پدید آمدن هویت فرهنگی نقش داشته باشد، چرا که در بسیاری از موارد هویت انسان در رابطه با مذهب و دین او شناخته می شود.

۵. هویت دینی

رابطه آدمی با دین و تمایل او به سوی خدا، در درون همه فطری است؛ و این رابطه و تمایل، حس و تعلق آدمی به دین را تشکیل می دهد که نتیجه آن یافتن پاسخ برای پرسش های بنیادین و عمیق آدمی است، آن پرسش هایی که اگر پاسخ مناسب برای آن ها یافت نشود، انسان دچار بهران هویت می شود و هم چنین در سایه هویت دینی است که انسان می تواند به جهان و

زندگی معنا بیخشد. و نتیجه این رابطه در مقوله هویت دینی قابل تبیین و توضیح است. به گفته یکی از روانشناسان، هدف ایدئولوژی ایجاد تصویری در ذهن شخص است که احساس فردی و جمیعی هویت را در او تقویت نماید.(شاملو، مکاتب و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، ص ۶۹) و از سوی دیگر برخی از صاحب نظران تمدن شناسی نیز براین باورند که هویت دینی معنای جدیدی به جهان هستی می بخشد.(هانتینگتون، برخورد تمدن ها و بازسازی نظام جهانی، ص ۱۵۳)

به نظر می رسد در میان انواع هویت یاد شده هویت دینی در مرتبه بالاتری از سایر ابعاد قرار دارد و می تواند در شکل گیری دیگر ابعاد هویتی فرد، نقشی اساسی ایفا کند؛ از این رو آن چه مورد نظر ما در این نوشتار است همین بُعد از هویت است و در صدد تبیین و ارائه راهکار برای هویت بخشی دینی به نسل جوان هستیم.

بحران هویت

از ویژگی های عصر جدید، جریان سریع و در عین حال پیچیده تحولات می باشد این سرعت و پیچیدگی در بعضی موارد موجب محدود شدن قدرت تحلیل و بازشناسی رویدادها می گردد. یکی از مشکلات جدید و نیمه پنهان بشر در دوران پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن ارتباطات بحران هویت است.

در اصطلاح روان شناسی «بحران هویت» به تغییرات هیجانی که در نوجوان به وجود می آید و برای به دست آوردن تصویری یکپارچه از شخصیت خود و یا شکستی که در رسیدن به یک هویت تجربه می کند، گفته می شود.(صلیبی، فرهنگ توصیفی روان شناسی اجتماعی، ص ۱۷۳)

انواع بحران های هویت

بحران هویت از نظر اندیشمندان به اعراض از هویت ملی و فرهنگ سرزمینی که در آن مليتی به دلیل پذیرش حاکمیت و نفوذ فرهنگ بیگانه، هویت خود، یعنی اصالت فرهنگی خود را از دست



بدهد گفته می شود؛ از نگاه کلان می توان بحران ها را به دو نوع عمده تقسیم کرد:

الف. بحران های انسانی

ب. بحران های انسان معاصر

بحران های انسانی

این قسم بحران های انسانی از آن جهت که هر انسانی با قطع نظر از زمان و مکان ممکن است با آن مواجه شود و همواره گریبان گیر آدمیان بوده است. و یکی از مسائل اجتناب ناپذیر در رابطه با هویت می باشد که شامل موارد ذیل می باشد.

۱. بحران مرگ و فنا

این پرسش همواره ذهن آدمی را به خود مشغول داشته است که من جاودانه ام یا با مرگ در بیابان فنا و نیستی فرو می افتم. سر درگمی در جستجوی پاسخ به این پرسش و تصور نابودی مطلق، اگر برای افراد بصیر به درستی به تصویر کشیده نشود، مایه دلسربدی و نومیدی و گونه ای از بحران هویت می تواند باشد. (آشتیانی، درآمدی بر بحران جامعه شناسی جهان معاصر، ص ۷۱)

۲. بحران پوچی و بی معنایی

فردی که قادر به یافتن ارزش های مثبت پایدار و معنا دار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست، ایده آل هایش به هم می ریزد، چنین فردی که از درهم ریختگی هویت رنج می برد، نه می تواند ارزش های گذشته خود را ارزیابی نماید و نه صاحب ارزش هایی می شود که به کمک آن ها بتوان سلامت و شادابی زندگی و به هنگاری هویتی که وابسته به معنی دار بودن زندگی و باور به فلسفه معقول زیست آدمی است را درک نماید.

همواره این معنی یابی آسان به دست نمی آید و چه بسا در اثر نگاه مادی، و آدمی از این بابت دستخوش بحران هویت شود.

۳. تعارض اخلاق و سود

چنان‌چه کسی نتواند در درون خویش ناسازگاری آزار دهنده سود فردی و عمل اخلاقی را حل کند، انتظار می‌رود در چنبره و سیطره چالش‌ها و بحران‌های هویت قرار گیرد. بر این‌ها می‌توان بحران مادیت و معنویت را هم افزود.

بحران‌های انسان معاصر

این نوع بحران‌ها و چالش‌هایی که تمدن معاصر با آن رویه رو شده، به طور برجسته تری از اعصار کهن رخ نموده است در این‌جا به شاخص‌ترین، نگرانی‌ها و بحران‌های هویت نو پیدا و زاییده عصر و تمدن جدید اشاره می‌شود.

۱. سنت و تجدد

از چالش‌های بزرگ انسان معاصر، تَحِیُّر میان سنت و تجدد است. تمدن نوین بسیاری از هنجارها و نگرش‌های دنیای پیشین را که جزء هویت آدمی محسوب می‌شده، به چالش کشیده و تعارض پاره‌ای از عناصر تمدن جدید و مدرنیته با معیارهای اعصار پیشین از یک سو در درون آدم‌ها بحران آفریده است و از سوی دیگر میان بخش‌های گوناگون دنیا و کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه جدایی افکنده، منشأ بروز بحران‌ها شده است.

۲. سیطره ماشین و اقتضائات آن

از جمله بحران‌های زاییده عصر جدید، که هویت آدمیان را نیز بحران‌زده می‌سازد، پدیده فن آوری جدید و ماشین و اقتضائات روان‌شناختی و اجتماعی آن است. فن آوری و ماشین ضمن آن که پدیده ای سودمند به حال بشر بوده است با این حال رشد و توسعه آن موجب نوعی خود بیگانگی انسان از خویشتن و دور افتادن آدمی از طبیعت ناب و سیطره کمیت و حاکمیت، روح خشونت شده است. البته همه این امور در هویت آدمی و به ویژه در روح و روان جوان طوفان‌زا و بحران‌آفرین است.



۳. عصر ارتباطات و جهانی شدن

بديهی است که جهانی شدن از ابعاد گوناگونی برخوردار است و تأثيرات شگرفی بر حوزه های اقتصاد، سیاست و فرهنگ جوامع مختلف داشته و حتی دولت های ملی را نیز در حالت بیم و هراس قرار داده است. از جمله تأثيرات اساسی جهانی شدن در حوزه فرهنگ، به چالش طلبیدن هویت فردی و اجتماعی و حتی ملی شهروندان جوامع مختلف است. (عليوردى نيا و سليماني، جهانی شدن تهدید امنیت اجتماعی، ص ۷۷)

علل ایجاد بحران هویت

۱. گسست فرهنگی

اگر فرهنگ به مجموعه ای کم نظیر از باورها، سنت ها، ارزش ها و آرمان های یک جامعه اطلاق شود. پس تعلق فرهنگی، به معنای درک، شناخت و برقراری ارتباط با این مجموعه است. در مقابل، گسست فرهنگی به منزله ای فقدان اجزاء و عواملی است که در بالا بدان اشاره شد. به طور دقیق تر، نیمرخ فرهنگی برخی از جوانان این گونه است:

- آنان غالباً، انگیزه کافی برای پرداختن به دست مایه های فرهنگی را ندارند؛
- آنان فرصت مکفى برای شناخت و بزرگداشت و قدر شناسی از فرهنگ خویش را ندارند؛
- آنان در صورت وجود انگیزه و فرصت مطلوب، فرهنگ ملی خویش را دارای چنان شأنی نمی دانند که ضرورتاً بدان اهتمام ورزند؛

عوامل جذاب و پر رونقی هم چون فرهنگ های بیگانه و رقیب، مجالی برای عرضه و خود نمایی فرهنگ ملی، باقی نگذاشته اند. در نتیجه رشته ها و پیوندهایی که باید میان فرهنگ ملی و برخی از جوانان برقرار باشد از هم گسیخته است و یک نوع گسست میان نسل معاصر و فرهنگ خودی

به وجود آمده است.(شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۱۳۳)

۲. تضاد نسل‌ها

عناصر و عوامل فرهنگی عمده‌ای از نسل بالغ به نسل جوان انتقال می‌یابد. این انتقال، نیاز به پل‌های ارتباطی مناسبی دارد که قبل و طی سال‌ها قبل شکل گرفته است.

خاطرات دوران کودکی و نوجوانی، فصل مشترک‌های والدین و جوانان و پیوند‌های عاطفی میان آنان را برای انتقال ارزش‌ها و عناصر فرهنگی همواره می‌سازد.

و لیکن واقعیت تلخ این است که دو نسل (والد - فرزند) به مرور زمان از یکدیگر دورتر و بیگانه تر شده، و بعضاً و در مواردی این فاصله به نوعی تضاد و تقابل منجر می‌شود.

از سوی دیگر اشتغال روز افزون والدین در بیرون از منزل، خستگی‌های جسمی و روحی ناشی از این اشتغال و فشار‌های روحی و روانی عصر جدید و عواملی نظیر آن‌ها، نسل بالغ را به گونه‌ای درگیر با مسائل ناخواسته نموده است که میل و رغبتی از سوی هیچ یک برای ارتباط کلامی با طرف دیگر مشاهده نمی‌شود و در نتیجه فرهنگ نسل بالغ، راهی نفوذ در نسل جوان نمی‌یابد.



۳. تربیت و آموزش‌های ناصحیح

از عوامل بیرونی که بر انسان عارض می‌شود، و باعث ایجاد بحران هویت حاد در انسان می‌شود، تربیت غلط می‌باشد. تربیت به معنای فراهم کردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور رساندن امکانات بالقوه‌ی در درون او را گویند. (عسگر اولادی، اخلاق اسلامی، تهران، ۲۱)

انسان به عنوان کامل‌ترین و استوارترین موجود در جهان اگر از نظر علم و عمل به نحو احسن پرورش یابد، عالی‌ترین مقام‌ها از آن اوست، به همین دلیل باید انسان هدف برتر و غایت اصلی به حساب آید و صحیح است که گفته شود، آفرینش جهان اهدافی دارد. (سبحانی جاوید، منشور



از این رو تربیت جوانان به عنوان یک نسل مؤثر در جامعه اسلامی باید بر اساس معرفت و شناخت نسبت به خود، مبدأ و هدف خلقت صورت گیرد. بر این اساس جوانانی که تحت تربیت الهی قرار نگرفته اند و یا معرفت و شناخت در تربیت آن‌ها نقشی نداشته است و در چهل نسبت به حقیقت خود و فلسفه‌ی خلقشان رشد کرده اند، متاسفانه هر لحظه باید منتظر ویران شدن وجود چنین جوانانی بود؛ زیرا شناخت واقعیت وجودی انسان و پی بردن به سبب آفرینش او و اعمال اصل در تربیت، ثمره‌ی گرانبهایی چون شکوفایی هویت واقعی او دارد.

۴. تغییرات پرشتاب

از مختصات زندگی معاصر، دگرگونی‌های سریعی است که در همه شئون اجتماعی، رخ می‌دهد از پیامدهای آن، می‌توان به ناتوانی انسان در تحلیل و ارزیابی رخدادها، اشاره نمود. وقایع پیچیده آن چنان به سرعت، از راه می‌رسند که فرصتی برای تحلیل آن‌ها باقی نمی‌ماند؛ و لذا نه تنها فرهنگ بلکه مقوله‌های دیگر زندگی نیز از دور خارج می‌شوند، و بیگانگی فرهنگی به جای هویت و یکپارچگی فرهنگی در جامعه مستقر می‌شود.

ساموئل هانتینگتون معتقد است: انسان تنها با قدرت تعقل خود زندگی نمی‌کند و نمی‌تواند برای تأمین منافع خود دست به محاسبه بزند و خردمندانه عمل کند، مگر آن که قبلًاً «خود» را تعریف کرده باشد. ساز و کار تأمین منفعت، مشروط به آگاهی نسبت به هویت است.

در زمانی که تغییرات پرشتاب اجتماعی روی می‌دهد، هویت‌های جا افتاده از هم می‌پاشد. «خود» دوباره تعریف می‌شود، و هویت تازه ای شکل می‌گیرد. (هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ص ۸۹) از ضرورت‌های «هویت حقیقی» تأمل و تفکر در راه و رسم زندگی است. ولی دگرگونی‌های سریعی که در ابعاد گوناگون حیات، واقع می‌شود، مجال اندیشیدن را از آدمی سلب می‌کند و فرصتی ایجاد نمی‌شود تا وی بتواند عناصر و اجزای فرهنگ را درک نموده و سپس آنها را جذب و درون سازی کند تا «هویت» خویش را تعریف نماید.

۵. مهاجرت وسیع

هرگونه جابجایی مردم در سرزمین های جدید، پیوند آنان را با هویت بومی و فرهنگی خود، کم رنگ و تضعیف نموده و یافتن هویتی جدی نیز به زمان مناسب نیاز دارد. با این که عوامل اقتصادی و مادی نیز بر گسترش مهاجرت تاثیر دارد. اما لازم به ذکر است که این کم رنگ شدن پیوندها با هویت بومی و فرهنگی در قشر جوان به سبب بی تجربه بودن و تأثیر پذیری جوانان به خاطر اقتضایات سنی ایشان است که بیشتر در جوامع بشری نمود پیدا می کند.

ساموئل هانتینگتون معتقد است: «منشأ دیرینه هویت و نظام های اقتدار اجتماعی، اینک به هم ریخته است. مردم از روستاها به شهرها می آیند. از ریشه های خود جدا می شوند، به شغل های تازه روی می آورند. یا اصلاً بیکار می مانند، با غریبه ها به تعامل می پردازند و در معرض زنجیره ای از روابط تازه قرار می گیرند. ایشان به منابع تازه ای برای هویت، شکل های تازه ای از اجتماع با ثبات و برداشت های اخلاقی تازه نیاز پیدا می کنند تا به زندگی آن ها، معنی و هدف بدهد.» (هانتینگتون، برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ص ۱۵۲)

۶. رسانه ها

رسانه ها از جمله عوامل تأثیر گذار بر دگرگونی ارزش ها و باورهای مردم می باشد و توانایی این را دارد، که افکار و اندیشه های مردم را به سمت و سویی که خود می خواهد سوق دهد. در همه ادوار تاریخ بشر اطلاع رسانی و آگاه کردن مردم که از جمله نقش های رسانه می باشد. ابزاری در دست زمامداران حکومت بوده است تا آن چه را که می خواستند به مردم القاء کنند، و هدف آن ها ایجاد فاصله بین انسان و هویتش، بیگانه کردن او نسبت به مبدأ و معاد و عیاش و بی مسئولیت بار آوردن او نسبت به گذران زندگی بوده است.

وسایل ارتباط جمعی و رسانه های عمومی چه در بخش های محلی مانند صدا و سیما و چه در



گستره‌ی جهانی همچون اینترنت، شمشیری کار آمد است که اگر به دست عالمان وارسته‌الهی و در خدمت اندیشه و اخلاق انسانی قرار گیرد بی‌شک هر آفتی را از مسیر حیات انسان و به ویژه ضمیر پاک جوانان بر می‌دارد. و همین ابزار اگر در انحصار دنیا پرستان و زراندوزان قرار گیرد، چنان‌چه هویت و حیات حقیقی انسان را از میان بر ندارد، در صدد حفظ آن نخواهد بود. از آن جهت تصمینی بر لقای هویت انسان نیست.

بنابراین رسانه‌ها نقش اساسی در تضعیف و مستور ماندن هویت واقعی جوان یا تبیین و دست یابی به آن را ایفا می‌کنند. (اندرسون، سکس و خشونت در تلویزیون، ص ۸۶)

پیامدهای بحران هویت جوانان

از آن جایی که هر بیماری آثار و پیامدهایی را به دنبال دارد، شناخت آثار آن نیز در رفع و درمان آن کمک شایانی می‌کند. بحران هویت جوان به عنوان بیماری که روز به روز در جوامع امروزی در حال رشد و افزایش است به طوری که این بحران هویت نه تنها خود یکی از آسیب‌های اجتماعی است، بلکه دارای پیامدهای منفی بسیاری نیز می‌باشد، که در این بخش به بررسی پیامدهای بحران هویت پرداخته می‌شود.

۱. اصالت دادن به غیر خویشتن

اصل و فرع را با هم جایه جا کردن، به اشتباه فرع را به جای اصل نشاندن، حیوانیت را به جای انسانیت قرار دادن، در وجود موجودی که تمام اصالت وجودی اش به انسانیت و هویت واقعی اوست، نشان از بی‌هویتی و بیگانگی او از خود واقعی اش دارد.

جوانی که اصالت را به دیگری می‌دهد، اصالت و استقلال فکر و روح خود را از دست می‌دهد، روشن است چنین انسانی همیشه مطابق گروهی فکر می‌کند که با آن‌ها هم صدا است و دائمً

تغییر فکر و روش می‌دهد. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱، ص ۳۳۴)

از این رو جوانان هنگامی که دچار این معطل می‌شوند احساس پوچی، از خود بیگانگی می‌کنند حتی گاهی به دنبال «هویت منفی» می‌گردند هویتی درست بر خلاف آن چه که اولیاء و جامعه برای آن‌ها در نظر گرفته است از این رو بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگار جوان را می‌توان از این دیدگاه توجیه کرد.

۲. عدم تعادل روحی

عامل اصلی عدم تعادل و ناهنجاری رفتاری جوان، بیگانگی از خود فطری و تمرکز قوای روحی و عقلی بر اشباع تمایلات غریزی می‌باشد.(هاشمی، تربیت و شخصیت انسانی، ج ۱، ص ۲۰۵) در نتیجه ثبات و تعادل روحی و روانی خویش را از دست می‌دهند؛ چرا که اولاً فرهنگ و هویتی که جوان خود باخته از دیگران تقلید می‌نماید ممکن است با ساختار وجودی او سازگاری نداشته باشد و یا در جامعه بین دوستان و آشنایان منفور واقع شده و از این ناحیه آسیب‌های روحی و روانی متوجه او شده و تعادل او را بر هم زند.

ثانیاً با توجه به تنوع فرهنگ‌ها، جوانی که ثبات نداشته و دچار خود باختگی شود، هر چند وقت یک بار، رنگ عوض کرده و هویت جدیدی به خود می‌گیرد. احساس بی‌قدرتی، حالتی که جوان احساس بی‌اختیاری نموده و قادر به تحت تأثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نیست. و تصور می‌کند برای رفتارها و باورهای خود خطوط راهنمایی در اختیار ندارد.

در واقع جوانی که دچار عدم تعادل روحی است برای رسیدن به اهداف ارزنده خود به ابزارهای نامتعارف و حتی نامشروع نیاز دارد و برای رسیدن به اهداف و تأمین نیازهایی که جامعه در او به وجود آورده است دست به تلاش زده و راه‌هایی را برای رسیدن به اهدافش انتخاب می‌کند که جامعه آن‌ها را تأیید نمی‌کند در این حالت جوان نمی‌تواند از طریق مشروع به خواسته‌هایش برسد ممکن است مشکل را در خود ببیند و دست به خودکشی زده یا به مواد مخدر پناه برد.

(دریابندی، درد بی‌خوبی‌شدنی، ص ۲۰)

۳. بی هدفی و بی معیاری

از دیگر پیامدهای بارز فردی که از هویت واقعی اش در زیر لایه هایی از غفلت و جهل و نسیان با رهبری شیطان و دنیا پنهان شده، نداشتن هدف و معیاری صحیح برای زندگی است. جوان که با نسیان خود باعث ایجاد اختلال در میزان انسانیت خود شده است از داشتن هدف تهی می باشد، زیرا هدف برای زندگی کردن و داشتن معیار و ملاک برای نوع و نحوه ی گذراندن زندگی برای کسی است که انسانیت خود را به همراه داشته باشد، اما وقتی جوان هویت اش را به فراموشی سپرده باشد روشن است خواسته اصلی و هدف نهایی اش را گم کرده و از دست داده است.

در جهان امروز، بی هدفی و بی معیاری در زندگی خیلی از انسان ها نمایان است و هدف اصلی خلفت انسان که خداوند آن را عبودیت و بندگی معرفی کرده به فراموشی سپرده شده است، و جایگزین این هدف اصلی برای جوانان یک سری هدف های پوشالی مثل به دست آوردن ثروت و شهرت، کسب مدارج تحصیلی برای افزایش موقعیت اجتماعی و... شده است.

۴. جامعه گریزی

حالی است که فرد احساس می کند، با ارزش ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است. چنین فردی اعتقادی به شیوه کار کرد جامعه، روابط و اهداف خرد و کلان حاکم بر آن را ندارد و چون فعالانه نمی تواند این روابط و اهداف را نفی کند با گوشه نشینی و انزوا خود را از گزند جامعه به حاشیه می کشاند. بسیاری از جوانان مبتلا به الکل و مواد مخدر این حالت را تجربه می نمایند که در نتیجه دست به اقداماتی چون خودکشی، دزدی، خشونت و... می زنند. همه این موارد بازگو کننده آن است که جامعه مدرن، با وجود دست آوردهای شگفت علمی، از نظر اخلاقی و هویت بخشی صحیح به جوانان خود دچار آفت عظیمی شده است که در نهایت جامعه مدرن را به یک

لا جرم جوانان، سرگشته در عرصه زندگی پرآشوب و پرجاذبه، اما بی محتوای مدرن به حال خود رها می شوند. این وضعیت در کشورهای جهان سوم در حال توسعه که جمعیت آن ها به تناسب بیشتر است، بسیار بحرانی تر می باشد.

بعضی از جامعه شناسان بر این باورند که نه مدارس امروزی پاسخگوی شرایط بحرانی جوانان هستند و نه کانون خانواده، در حقیقت این جامعه گریزی و عواقب ناخوشایند یک معطل کلان اجتماعی است.

راهکارهای عمومی دین در حل بحران هویت

جوانان زمانی می توانند از فطرت الهی خود به عنوان هویت اصلی شان استفاده کنند، که آن را بشناسند و شکوفا کرده باشند هر انسانی فی نفسه این هویت را با خود دارد، اما به صرف داشتن آن نمی تواند انسان باشد، بلکه اگر هویت خویش را شکوفا کند، مایه‌ی انسانیت خود را شکوفا کرده و انسان خطاب می شود اما گاهی در گذر از دوره پرتلاطم جوانی این هویت دست خوش بحران هایی می شود.

دین راهکارهایی سازنده را برای حفظ و شکوفایی این هویت اصیل ارائه داده است، که در این فصل به بررسی آن می پردازیم. (ر.ک:پورآوند، بحران هویت انسان از منظر قرآن، ص ۶۸)

۱. دعوت به عبودیت

قرآن در اولین گام همه بشریت را مورد خطاب قرار داده و همگی را به دایره عبودیت و بندگی خدا دعوت می نماید و می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اغْدُوْ رَبِّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، آیه ۲۱)؛ «ای مردم خداوندگار و صاحب خودتان را که خالق شما و پیشینیان

است، را پرستش کنید تا اهل تقوا گردید.» یعنی جوان امروزی در توحش مدرن و ماده پرستی و هوا پرستی گرفتار شده و تمام سعی و تلاش او بر محور انسان مداری و دنیا خواهی معنا و مفهوم



پیدا می کند و زندگی فردی و اجتماعی او عملاً به بن بست منتهی گردید، که مصلحان و دانشمندان بزرگ ضروری ترین و حیاتی ترین امر را برای نجات بشر بازگشت به معنویت می دانند، قرآن اولین راه نجات بشر را برگشت به خدا محوری و خدا گرایی و در عبودیت او قرار گرفتن می دارد، و بعد از اعتقاد به خداوند و در عبودیت و بندگی او قرار گرفتن، راه رستگاری را این گونه به روی موحدان می گشاید: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، آیه ۳۱): «ای مومین همگی به سوی خدا برگردید تا رستگار شوید» و لذا قرآن با این راهکار می خواهد بشر را از یکی از مهم ترین عوامل سرگردانی و از خود بیگانگی او که همان هوی پرستی در مقابل خدا پرستی باشد نجات دهد.

همین هوی پرستی در مقابل خدا پرستی است که امروزه با تعبیر اُمانیسم با فردیت پرستی که بازترین مشخصه تمدن غرب و مادی گرا می باشد. مهم ترین عامل سقوط و انحطاط جوامع غربی و افراد مادی محور می باشد که پیامدهای فاجعه آمیز آن دامنگیر آنان گردید. یکی از نتایج فردیت پرستی، ناتورالیسم یعنی اعتقاد به اصالت طبیعت و ماده است که منکر ماوراء طبیعت و امور معنوی بوده و بشر را مادی صرف می دارد، (گنون، بحران دنیای متعدد، ص ۸۳) که به عنوان نمونه داستایوسکی و ژان پل سارتر با نفی خدا مکتب اگریستنسیالیسم بر مبنای اصالت بشر و فردیت پرستی را تأسیس نمود که امروزه به عنوان دین امریکایی، جهان را تهدید به نابودی می کند، نامیده می شود.

۲. پاسخ به پرسش های بنیادین

دومین و مهم ترین دستاورد دین پاسخ به پرسش های بنیادین و عمیق جوان است. ساموئل هانتینگتون معتقد است: «دین برای کسانی که با پرسش هایی از این دست رو به رو هستند که: من کیستم؟ و به کجا تعلق دارم؟ پاسخ های قانع کننده ای دارد؟» (هانتینگتون، برخورد تمدن ها و

بازسازی نظم جهانی، ص ۱۵۳) زمانی نیچه فیلسوف برجسته آلمانی اظهار کرد: اگر آدمی بداند که چرا باید زندگی کند، قادر است با هر چگونه ای بسازد. و منظور او دقیقاً روشن است به این معنا که اگر «کلیت زندگی» برای آدمی قابل تفسیر و تحلیل باشد، در سایر موارد نیز می‌تواند با آگاهی، گام بردارد. دین غایت حرکت آدمی را به سوی خدا و تکامل معنوی می‌داند و او را نیز جانشین خداوند در زمین تلقی می‌کند.

و این هویت دینی است که توانایی آن را دارد که فلسفه ارضاء کننده حیاتی برای بشر تنظیم، تدوین و ارائه کند.

۳. جهت بخشیدن به زندگی

راهکار دیگری که از تکوین هویت دینی برای نسل جوان عاید می‌شود، جهت مند شدن زندگی است، ساموئل هانتینگتون می‌نویسد: «دین به زندگی نخبگان نوپای جوامعی که در حال مدرن شدن هستند، جهت و معنا می‌دهد.» رونالد دور می‌گوید: «ارزش نهان به یک دین سنتی، خواسته ای است که در برابر احترام گذاشتن به فرهنگ ملت‌ها مسلط قرار می‌گیرد و غالباً به طور هم زمان، طبقه حاکم که ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی خود را با فرهنگ آن ملت مسلط تطبيق داده اند، در تضاد قرار می‌گیرد.» (هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ص ۱۵۹)

امام راحل (ره) نیز در تبیین رابطه اسلام و زندگی، بر جامعیت و شمول همه جانبه دین تأکید نموده و می‌گویند: «مذهب اسلام هم زمان با این که به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید: چگونه زندگی کن و رابطه خود را با سایر انسان‌ها باید چگونه تنظیم کی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و یا جامعه نیست مگر این که مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است... چون



اسلام، هدایت جامعه را در همه شئون و ابعاد به عهده گرفته است.» (موسوی خمینی، آئین انقلاب اسلامی، ص ۱۱۸)

۴. وحدت اعتقادی

برنارد لیوس، معتقد است که در جهان اسلام در موارد اضطرار، مسلمانان، بارها این تمایل را نشان داده اند که در قالب یک وحدت دینی هویت بنیادین و ایمان خود را باز یابند، یعنی هویتی که نه با معیارهای قومی یا سرزمینی، بلکه به وسیله اسلام، که همان هویت حقیقی انسان است، تعریف شده باشد.

ژیل کپل هم بر اهمیت موضوع هویت تأکید می کند و می گوید: «اسلامی شدن دوباره، از سطوح پایین اجتماع، اولین و مهم ترین راه بازسازی هویت در جهانی است که معنای خود را از دست داده و بی شکل و بیگانه شده است.» (هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ص ۱۵۳) امام راحل(ره) نیز از مهم ترین عوامل پیروزی را، وحدت عامه مردم تلقی می کنند: «روی موازین عادی، با یک یورش، باید ما از بین رفته باشیم... لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتکال به ولی عصر(عج الله تعالی) شما را پیروز کرد، برادران من از یاد نمیرید این رمز پیروزی را، این وحدت کلمه ای که در تمام اقشار ایران پیدا شد، معجزه بود کسی نمی تواند این را ایجاد کند.» (موسوی خمینی، آئین انقلاب اسلامی، ص ۱۶۸)

و اگر جوانان امروز این کشور که به حق آینده سازان فردا خواهند بود به این وحدت اعتقادی پاییند باشند دیگر دچار آسیب‌های ناشی از بحران هویتی که امروزه تبدیل به معظلی جهانی شده است، نخواهند شد.

راهکارهای اختصاصی دین در حل بحران هویت

اگر از وقوع مشکلات هویتی جوانان به موقع جلوگیری شود، و زمینه ای برای ایجاد مشکلات وجود نداشته باشد، بحران هویتی در نسل جوان پیش نمی آید. اسلام بیشترین توجه خود را به

پیشگیری از وقوع مشکلات معطوف داشته و قدم های مهمی را در این طریق برداشته است. (احمدی، روانشناسی نوجوانان و جوانان، ص ۲۲۹) و در کنار راهکارهایی که به صورت عمومی برای اقسام جامعه ارائه شد، اسلام سعی نموده است تا معرفی راهکارهایی که بیشتر جنبه اختصاصی دارد جوانان را در بازیابی و شناخت هویت اصیل خویش باری نماید.

۱. اصلاح روابط خانوادگی

خانواده مهم ترین پناهگاه برای جوان است. اساس خانواده از نظر اسلام بر مبنای دوستی و مرحمت است. قرآن مجید در این باره می فرماید: «وَجَعَلَ يَبْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، آیه ۲۱) خداوند بین اعضای خانواده دوستی و شفقت قرار داد. رابطه خانوادگی باید بر مبنای عطفت و تفاهم باشد.

دین مبین اسلام با توجه دادن خانواده ها به این مسئله که ثمره روابط سنت خانوادگی در بین اعضا منجر به ایجاد مشکلات زیادی برای فرزندان می گردد، والدین را نسبت به این امر مهم هوشیار ساخته چرا که پر واضح است که اولین تبع مشکلات جوانان وارد چشم خود والدین می شود.

اما وقتی جوان در محیط گرم خانوادگی باشد. رفتار خوب والدین باعث رفتار درست او می شود. آن گاه این خانواده مشمول عنایات خداوند می شود. «رَحِمَ اللَّهُ وَالَّذِينَ أَغَانَا وَلَدَهُمَا عَلَىٰ بِرْهِمَمَا» (کلینی، اصول کافی، ج ۶ ص ۴۸) خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزند خود را در کار نیک یاری نماید و سرمشق خوبی برای او باشند. البته رفتار نادرست والدین آنان را به لعنت خداوندی گرفتار می سازد و آنان را از برکات زندگی بی بهره می سازد.

۲. انتخاب دوستان مناسب

دوستان نقش مهمی در شکل گیری رفتار و هویت صحیح جوانان دارند. چه بسیار جوانانی که در

اثر همنشینی با دوستان نایاب به انحراف کشیده شده اند و پس از خطا کاری و اشتباه خود می‌گویند: «یا وَيَلْتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» (فرقان، آیه ۲۸)؛ «وای برم، ای کاش فلان شخص را دوست خود نگرفته بودم.» البته این تأسف نتیجه ای ندارد. اسلام به مستنه دوستی توجه خاصی نموده حتی معیار سنجش فرد را دوست او دانسته است.

پیامبر اکرم(صلی الله و علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «الَّمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلَيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستبیط المسائل، ص ۳۲۷)؛ «اَفَرَادٌ تَابِعُ عَقِيْدَةِ دُوْسَتِ خُودِهِ»

هستند پس مواظب باشید که با چه کسی دوست می‌شوید.»

دسته ای از جوانان استدلال می‌کنند که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند ولی این گونه نیست و بنابر فرموده حضرت صادق(علیه السلام): «مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ السَّوْءِ لَا يَسْلَمُ وَ مَنْ يَدْخُلْ مَدَاخِلَ السَّوْءِ...» (همان، ص ۳۳۹)؛ «آن که با دوست نایاب مصاحب می‌کند به سلامت نمی‌ماند و حتی الوده می‌شود.» بر این اساس اسلام جوانان را از دوستان نایاب بر حذر می‌دارد و حتی الفاظی که حاکی از تحذیر و ممانعت است به کار می‌برد.

حضرت علی(علیه السلام) می‌فرمایند: «إِيَّاكَ وَ صُحْبَةَ مَنْ أَهَاكَ وَ أَغْرَاكَ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ وَ يُوبِقُكَ» (خوانساری، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحكم و دررالکلم، ج ۷، ص ۱۹۵)؛ «از هم نشینی با کسی که تو را اغفال می‌کند و فریب می‌دهد. دوری کن زیرا چنین کسی تو را خوار می‌کند و به هلاکت می‌اندازد.» بنابراین چنان چه جوان در انتخاب دوست مناسب دقت نکند، در رسیدن به هویت حقیقی خود دچار بحران می‌شود.

از این رو دین دقت ویژه ای بر انتخاب هم نشین برای جوانان داشته است چرا که جوان بیشتر از سایر افراد جامعه دست خوش تغییر و بحران در هویتش خواهد شد.

۳. پر کردن اوقات فراغت جوانان

توجه به دو واقعیت زیر، اهمیت اوقات فراغت را بیش از پیش، مبرهن و مُتقن می سازد ابتدا این که طبق آمار رسمی حدود ۷۰٪ جمعیت کشورمان زیر سن سی و پنج سال قرار دارند یعنی حدود پنجاه و شش میلیون نفر از جمعیت کشورها از طولانی ترین تعطیلات برخوردارند. که، جوانان ما در مقایسه با بیشتر کشورها از طولانی ترین تعطیلات برخوردارند. از این روی پاسخ دادن به نیازهای متنوع جوانان در زمینه اوقات فراغت شان، از جنبه‌ی اخلاقی و تربیتی حائز اهمیت فراوان است. شناخت علمی و دقیق اوقات فراغت، امکان استفاده بهینه از آن را فراهم می سازد.

پیامبر اکرم(صلی الله و علیه و آله)می فرمایند: «خَصَّلَتْنَاهُ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فِيهِمَا مَفْتُونٌ: الصَّحَّةُ وَ الْفَرَاغُ»(شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۲۹۸)؛ «دو خصوصیت هست که بیشتر مردم با آن گمراه می شوند یکی سلامتی و دیگری فراغت.» وقتی فرد سالم بوده و فراغت داشته باشد و وقت او برای کار یا فعالیتی تنظیم نشده باشد، احتمال کشش او به جانب دوستان ناباب و رفتارهای نا مناسب بیشتر می شود.

برای پر کردن اوقات فراغت جوانان می توان تمام امور اجتماعی و فرائض جمعی و همچنین انواع ورزش ها در نظر گرفت سفارشی که پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) به تیر اندازی، شنا و اسب سواری می نمود و تحرکی که در کسب دانش ایجاد می کرد برای پر کردن اوقات فراغت و جلوگیری از انحطاط جوانان بود. در پر کردن ایام فراغت نباید به مسائل بیهوده و زائد پرداخت. حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند: «مَنِ إشْتَغَلَ بِالْفَضْولِ فَاتَّهُ مِنْ مَهْمَةِ الْمَأْمُولِ» (تمیمی آمدی،

غزال‌الحكم و دررالکلم، ص ۳۲۴)؛ «کسی که به موضوعات زائد و بیهوده اشتغال ورزد از مهمات واقعی زندگی که آرزوی رسیدن به آن را دارد باز می دارد». البته برنامه ریزی برای اوقات فراغت



باید به صورتی باشد که به رشد بدنی، اجتماعی و عاطفی دینی جوانان بیانجامد.



نتیجه بحث

جوانان زمانی می توانند از فطرت الهی خود به عنوان هویت اصلی شان استفاده کنند، که آن را شناخته و شکوفا کرده باشند. هر انسانی فی نفسه این هویت را با خود دارد، اما به صرف داشتن آن نمی تواند انسان باشد، بلکه اگر هویت خویش را شکوفا کند، مایه‌ی انسانیت خود را شکوفا کرده و انسان خطاب می شود اما گاهی درگذر از دوره پرتلاطم جوانی این هویت دست خوش بحران هایی می شود.

از این رو دین راهکارهایی سازنده را برای حفظ و شکوفایی این هویت اصیل ارائه داده است چرا که دین تنها نهادی است که دارای بهترین الگو و دستورالعمل برای مقابله با این بحران و پیامدهای ناشی از آن می باشد.

اجرای قوانین مدنی هر چقدر که سخت و مدبرانه باشد باز هم راه نجاتی را برای عبور از بحران های اجتماعی نشان نمی دهد، بطوری که از دیدگاه جامعه شناسان هیچ عامل دیگری نمی تواند همان کارکرد دین را داشته باشد، زیرا ریشه این موضوع را باید در پیوند این آموزه ها با مسائل فطری و تمایلات متعالی باطنی انسان جستجو کرد. بنابراین راز سعادت انسان و رهایی نسل پر اضطراب امروز از بحران ها در گرو بازگشت دوباره به دین و معنویت است.

عواملی که در ایجاد این بحران دخیل هستند؛ دارای پیامدهای جبران ناپذیری هستند که از جمله این پیامدها گسست فرهنگی، بی هدفی و جامعه گریزی و... می باشند.

با عنایت به این که دین بر مبنای فطرت انسانی شکل گرفته است، می تواند به عنوان یک راهکار جدی در حل بحران هویتی نقش اساسی داشته باشد. لذا دین سعی کرده است تا با ارائه راهکارهایی عمومی مانند دعوت به عبودیت، پاسخ به سؤالات بنیادین جوانان و ایجاد زمینه مساعد تربیتی و نیز بیان راهکارهایی که جنبه اختصاصی دارند مانند: اصلاح روابط خانوادگی، ایجاد الگوهای مناسب و... جوانان را در حل بحران هویت خویش یاری نمایند.



منابع



* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. آشتیانی، منوچهر، درآمدی بر بحران جامعه شناسی جهان معاصر، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحكم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبہ الله، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، محقق ابراهیم محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ ق.
۴. احمدی، احمد، روانشناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان، انتشارات مشعل، ۱۳۶۸.
۵.، سمینار مسائل نوجوانان و جوانان با تکیه بر مسائل نوجوانان ایرانی، اصفهان، سمینار دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۲.

۶. اندرسون، کربی، سکس و خشونت در تلویزیون، ترجمه مرکز پژوهش های صدا و سیما،
ماهnamه سیاحت غرب.

۷. تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غورالحكم و دررالكلم، ترجمه سید مهدی رجائی، قم، دارالكتاب
الاسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق.

۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۴.

۹. حق پناه، جعفر، کانون های بحران هویت در ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران،
. ۱۳۸۱

۱۰. خلیلی شورینی، سیاوش، روانشناسی نوجوان، تهران، انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۷۷.

۱۱. دریابندی، نجف، درد بی خوبیستنی، تهران، نشر کتاب پرواز، ۱۳۶۹.

۱۲. سبحانی جاوید، جعفر، منشور جاوید، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین، ۱۳۶۰.

۱۳. شرفی، محمد رضا، جوان و بحران هویت، تهران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی،
. ۱۳۸۰

۱۴. صلیبی، ژاست، فرهنگ توصیفی روان شناسی اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.

۱۵. عسگر اولادی، حبیب الله، اخلاق اسلامی، تهران، وزارت آموزش و پرورش اداره امور تربیتی،
. ۱۳۶۱

۱۶. علیوردی نیا، اکبرو محمد رضا سلیمانی، جهانی شدن تهدید امنیت اجتماعی، بی جا، بی نا، بی
تا.

۱۷. غرایی، بنشه، بحران هویت و راهکارهای مقابله ای، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۷

۱۸. کارل، الکسیس، انسان موجود ناشناخته، پرویز دبیری، اصفهان، مهرافروز، ۱۳۸۵

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۰. گنون، رنه، بحران دنیای متجدد، حسن عزیزی، تهران، حکمت، ۱۳۸۷.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، بیام قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۷.
۲۲. مورس، رالف، نظریه های بنیادی درباره نوجوانی، ترجمه فرهاد جمهوری و دیگران، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۷.
۲۳. موسوی خمینی، روح الله، آئین انقلاب اسلامی - گزیده ای از اندیشه و آراء امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
۲۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۲۵. واترز، مالکوم، جهانی شدن، اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.
۲۶. هاشمی، مجتبی، تربيت و شخصيت انساني، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۷. هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدن ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه محمد علی رفیعی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۸.
۲۸. مهرجردی، مرضیه، وقتی جوان بر سر دو راهی بماند، روزنامه همشهری.

